

# خداشناسی در آئینه خودشناسی

تألیف:

دکتر امیر شیرزاد

انتشارات دانشگاه رازی

---

۱۳۸۶

BP شیرزاد، امیر  
۲۱۷/۸ خدشناسی در آیین خودشناسی / تألیف امیر شیرزاد - کرمانشاه:  
خ ۹ ش / دانشگاه رازی، ۱۳۸۵.  
۳۲۵ص - (انتشارات دانشگاه رازی؛ ۱۰۸: الهیات و معارف اسلامی؛ ۶)  
ISBN : 978-964-9992-31-0  
۱. خدشناسی. ۲. خودشناسی. الف. عنوان.



۱۰۸

انتشارات دانشگاه رازی

عنوان کتاب : خدشناسی در آیین خودشناسی

تألیف: دکتر امیر شیرزاد

ناشر : انتشارات دانشگاه رازی

لیتوگرافی و صفحه آرایی: کیا

چاپخانه: سعادت

قطع : وزیری

شمارگان : ۱۰۰۰

تاریخ و نوبت چاپ : ۱۳۸۶ - اول - کرمانشاه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

مراکز پخش : تهران: کتابیران ۰۲۱-۶۶۲۰۱۷۳۵ - دانشیران ۰۲۱-۶۶۲۱۶۱۷۶

کرمانشاه: مرکز چاپ و نشر ۰۸۴۱-۲۲۸۰۸۰۲

ISBN: 978-964-9992-31-0

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۹۲-۳۱-۰۰

( حق چاپ برای ناشر محفوظ است )

# فهرست مطالب

عنوان

صفحه

|     |                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------|
| یک  | مقدمه                                               |
| پنج | معرفت نفس و معرفت رب                                |
| شش  | اهمیت و ضرورت معرفت نفس برای انسان معاصر            |
| نه  | نگاهی به مباحث کتاب حاضر                            |
|     | <b>فصل اول: تبیین چیستی مفاهیم معرفت، نفس و رب</b>  |
| ۳   | طرح بحث                                             |
| ۵   | بخش اول: چیستی معرفت                                |
| ۵   | معانی لغوی و اصطلاحی معرفت                          |
| ۶   | معنای حقیقی معرفت                                   |
| ۷   | معرفت حصولی و معرفت حضوری                           |
| ۸   | معرفت حسی، عقلی و قلبی                              |
| ۱۲  | بخش دوم: چیستی نفس                                  |
| ۱۲  | معانی لغوی و اصطلاحی نفس                            |
| ۱۴  | آراء گوناگون در حقیقت نفس                           |
| ۱۷  | نفس، حقیقتی جسمانی                                  |
| ۱۹  | نفس، حقیقتی روحانی و مجرد از ماده                   |
| ۲۰  | نفس، حقیقت هستی مطلق در کسوت تعین                   |
| ۲۳  | بخش سوم: چیستی رب                                   |
| ۲۳  | مفهوم لغوی و اصطلاحی رب                             |
| ۲۵  | تبیین ربوبیت الهی در قرآن کریم                      |
| ۲۹  | قرآن کریم و توحید در ربوبیت                         |
|     | <b>فصل دوم: معرفت نفس و معرفت رب، محال یا ممکن؟</b> |
| ۳۵  | طرح بحث                                             |
| ۳۶  | بخش اول: نظریه‌ی تعلیق به محال                      |
| ۳۸  | دلایل عقلی بر نظریه‌ی تعلیق به محال                 |

|         |                                                             |
|---------|-------------------------------------------------------------|
| ۳۸..... | دلیل اول: بازگشت حقیقت نفس به حقیقت الهی است                |
| ۳۹..... | دلیل دوم: شناخت نفس نه بدیهی و نه کسی است                   |
| ۳۹..... | دلیل سوم: شؤن نفس قابل احصاء نیست                           |
| ۴۲..... | شواهد نقلی بر نظریه‌ی تعلیق به محال                         |
| ۴۲..... | شاهد قرآنی                                                  |
| ۴۴..... | شواهد حدیثی                                                 |
| ۴۹..... | بخش دوم: نقد و بررسی نظریه‌ی تعلیق به محال                  |
| ۴۹..... | طرح و بررسی فرض‌های عقلی در معرفت الهی                      |
| ۴۹..... | فرض اول: امتناع هرگونه شناخت از حق تعالی                    |
| ۵۰..... | فرض دوم: امکان شناخت جامع و کامل از خداوند                  |
| ۵۳..... | فرض سوم: امکان شناخت خداوند به قدر ظرفیت وجودی و سعه‌ی علمی |
| ۵۷..... | طرح و بررسی شواهد نقلی                                      |
| ۶۳..... | بخش سوم: نظریه‌ی امکان معرفت نفس                            |
| ۶۳..... | تبیین امکان معرفت نفس و معرفت رب در آیات و روایات           |
| ۶۵..... | بیان رابطه‌ی خدانشناسی و خودشناسی در آیات و روایات          |
|         | <b>فصل سوم: وجوه معرفت رب در آیین‌های معرفت نفس</b>         |
| ۷۱..... | طرح بحث                                                     |
| ۷۲..... | وجه اول: معرفت ساختمان و فیزیولوژی بدن                      |
| ۷۲..... | مروری بر فیزیولوژی بدن انسان                                |
| ۷۳..... | محیط داخلی و همئوستازیس                                     |
| ۷۵..... | اعضاء دستگاه‌های بدن                                        |
| ۷۵..... | اسکلت و عضلات چسبیده به آن                                  |
| ۷۶..... | دستگاه عصبی                                                 |
| ۷۷..... | دستگاه گردش خون                                             |
| ۷۷..... | دستگاه تنفسی                                                |
| ۷۸..... | دستگاه گوارشی                                               |
| ۷۸..... | دستگاه‌های متابولیکی                                        |
| ۸۰..... | دستگاه دافعه                                                |

|                                                                       |            |
|-----------------------------------------------------------------------|------------|
| دستگاههای تولید مثل .....                                             | ۸۱         |
| سازمان به هم پیوسته و اجتماعی بدن .....                               | ۸۱         |
| دلالت نظم و هماهنگی بدن بر ناظم مدبر آن .....                         | ۸۲         |
| متون دینی و دلالت نظم بر خدای متعال .....                             | ۸۷         |
| شواهد قرآنی .....                                                     | ۸۸         |
| شواهد روایی .....                                                     | ۸۸         |
| <b>وجه دوم: معرفت فطرت نفس .....</b>                                  | <b>۹۱</b>  |
| فطرت در لغت .....                                                     | ۹۱         |
| تبیین مسأله‌ی فطری بودن دین .....                                     | ۹۲         |
| فطری بودن ادراک دینی در حوزه‌ی علوم حصولی .....                       | ۹۳         |
| فطری بودن ادراک دینی در حوزه‌ی علوم حضوری .....                       | ۹۶         |
| فطری بودن دین در حوزه‌ی تمایلات انسانی .....                          | ۱۰۰        |
| بیان فطری بودن دین در متون دینی .....                                 | ۱۰۴        |
| شواهد قرآنی .....                                                     | ۱۰۴        |
| شواهد روایی .....                                                     | ۱۱۰        |
| <b>وجه سوم: معرفت تجرد و حدوث نفس .....</b>                           | <b>۱۱۲</b> |
| دلایل فوق‌مادی بودن حقیقت نفس .....                                   | ۱۱۲        |
| دلالت خودآگاهی بر فوق‌مادی بودن حقیقت نفس .....                       | ۱۱۲        |
| دلالت تقسیم‌ناپذیری نفس بر فوق‌مادی بودن نفس .....                    | ۱۱۴        |
| دلالت آگاهی‌های حصولی بر فوق‌مادی بودن نفس .....                      | ۱۱۵        |
| دلایل حدوث نفس .....                                                  | ۱۱۷        |
| دلالت تعلق نفس به بدن بر حدوث آن .....                                | ۱۱۸        |
| دلالت امتناع تمایز نفوس قبل از بدن بر حدوث نفس .....                  | ۱۱۹        |
| تقریر دلالت معرفت تجرد و حدوث نفس بر معرفت رب .....                   | ۱۲۱        |
| تقریر خلاصه‌تری از استدلال فوق .....                                  | ۱۲۲        |
| تقریر شیخ اشراق از دلالت معرفت نور بودن نفس بر معرفت نورالانوار ..... | ۱۲۳        |
| طرح مسأله در متون دینی .....                                          | ۱۲۴        |
| متون دینی و فوق‌ماده بودن حقیقت روح .....                             | ۱۲۵        |

|                                                       |     |
|-------------------------------------------------------|-----|
| قرآن کریم و مسأله‌ی تجرد روح                          | ۱۲۵ |
| روایات و مسأله‌ی تجرد روح                             | ۱۲۹ |
| متون دینی و دلالت تجرد نفس بر حق تعالی                | ۱۳۰ |
| قرآن و دلالت حیات بر حق تعالی                         | ۱۳۱ |
| روایات و دلالت حیات بر حق تعالی                       | ۱۳۳ |
| <b>وجه چهارم: معرفت حرکت نفس</b>                      | ۱۳۵ |
| حرکت و تحول در جوهر وجودی آدمی                        | ۱۳۵ |
| نیاز حرکت وجودی انسان به فاعل                         | ۱۳۸ |
| حق تعالی، فاعل حرکت وجودی انسان                       | ۱۴۰ |
| حرکت وجودی انسان و هدفداری                            | ۱۴۳ |
| حق تعالی، مطلوب نهایی حرکت وجودی نفس                  | ۱۴۵ |
| متون دینی و دلالت حرکت وجودی نفس بر حق تعالی          | ۱۴۸ |
| شواهد قرآنی                                           | ۱۴۸ |
| شاهد روایی                                            | ۱۵۰ |
| <b>وجه پنجم: معرفت فقر وجودی نفس</b>                  | ۱۵۲ |
| بدهت نیاز وجودی انسان به علت                          | ۱۵۳ |
| ملاک نیاز به علت و تحلیل هویت معلول                   | ۱۵۵ |
| دلالت فقر وجودی نفس بر معرفت رب                       | ۱۶۱ |
| متون دینی و هویت حق‌نمایی انسان و جهان                | ۱۶۵ |
| نمونه‌هایی از شواهد قرآنی                             | ۱۶۶ |
| نمونه‌هایی از شواهد روایی                             | ۱۶۸ |
| <b>وجه ششم: معرفت احاطه و معیت نفس</b>                | ۱۷۰ |
| معنا و مفهوم احاطه و معیت                             | ۱۷۰ |
| بررسی چگونگی احاطه و معیت نفس با قوا و افعال آن       | ۱۷۲ |
| تبیین احاطه و معیت الهی و تجلی آن در احاطه و معیت نفس | ۱۷۵ |
| متون دینی و احاطه و معیت قیومیه‌ی حق تعالی            | ۱۸۳ |
| شواهد قرآنی                                           | ۱۸۳ |
| نکته‌ای لطیف از قرآن                                  | ۱۸۷ |

|     |                                                    |
|-----|----------------------------------------------------|
| ۱۸۹ | شواهد روایی                                        |
| ۱۹۲ | وجه هفتم: معرفت ظهور و بطون و علو و دنو نفس        |
| ۱۹۲ | مفهوم ظهور و بطون و علو و دنو                      |
| ۱۹۳ | تبیین ظاهر و باطن و عالی و دانی بودن نفس           |
| ۱۹۵ | ظاهر و باطن و عالی و دانی بودن حق تعالی            |
| ۲۰۳ | مظهریت ظهور و بطون نفس از ظهور و بطون الهی         |
| ۲۰۵ | متون دینی و ظهور و بطون و علو و دنو حق تعالی       |
| ۲۰۵ | شواهد قرآنی                                        |
| ۲۱۵ | شواهد روایی                                        |
| ۲۱۸ | وجه هشتم: معرفت علم حضوری نفس به افعال و آثارش     |
| ۲۱۸ | تبیین علم حضوری نفس به افعال و آثارش               |
| ۲۲۰ | مظهریت نفس در علم حضوری به افعالش از علم حق تعالی  |
| ۲۲۸ | متون دینی و علم حق تعالی به اشیاء                  |
| ۲۲۸ | شواهد قرآنی                                        |
| ۲۳۰ | شواهد روایی                                        |
| ۲۳۱ | وجه نهم: معرفت فاعلیت نفس                          |
| ۲۳۱ | ملاحظه‌ای اقسام هشت گانه فاعلیت نفس                |
| ۲۳۷ | تبیین فاعلیت باری تعالی از نظر متکلمین و حکما      |
| ۲۳۹ | وجوه متعدد مظهریت فاعلیت نفس از فاعلیت باری تعالی  |
| ۲۵۰ | متون دینی و تجلی فاعلیت الهی در فاعلیت انسان       |
| ۲۵۰ | شواهد قرآنی                                        |
| ۲۵۶ | شواهد روایی                                        |
| ۲۵۹ | وجه دهم: معرفت غایت نفس                            |
| ۲۵۹ | تبیین غایت بودن نفس در صدور افعال                  |
| ۲۶۴ | آراء متکلمین و حکیمان درباره‌ی غایت الهی از افعالش |
| ۲۷۱ | مظهریت غایت بودن نفس از غایت بودن حق تعالی         |
| ۲۷۲ | متون دینی و غایت بودن حق تعالی                     |
| ۲۷۳ | شواهد قرآنی                                        |

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين  
دید یک عاشق از دل پُر تاب  
حضرت حق تعالی اندر خواب  
دامنش را گرفت آن غمخور  
که ندارم من از تو دست دگر  
چون درآمد ز خواب خوش درویش  
دید محکم گرفته دامن خویش!...  
هست مطلوب جانت اندر پیش  
اندر او می نگر از او مندیش<sup>۱</sup>  
تمامی دستمایه و بلکه همه‌ی سرمایہ‌ی این نوشتار حدیث شریف «مَنْ عَرَفَ  
نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»<sup>۲</sup> است. بر حسب این حدیث شریف، خودشناسی ملازم  
خداشناسی و خودیابی ملازم خدایابی است.

<sup>۱</sup> - شبستری، سعادت‌نامه، ص ۱۶۱.

<sup>۲</sup> - این حدیث شریف از پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز از امام علی علیه السلام روایت شده است.  
رک: آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲، مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲، ابن ابی الحدید، شرح  
نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۲، ابن میثم بحرانی، شرح علی المائه کلمه لامیر المؤمنین علیه السلام، ص ۵۷،  
ابن عربی، فصوص الحکم با شرح خوارزمی، ص ۷۷۶، سید حیدر آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار،  
صص ۲۰۷ و ۲۷۱، سیدعلیخان مدنی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالناجدين، ج ۱، ص ۲۷۲،  
طریحی، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۱۵؛ رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار و عدة الأبرار، ج ۵،  
ص ۷۲۹ و ...

در قرآن کریم، از یک سو، معرفت نفس طریق معرفت رب معرفی شده است: سنریهم اياتنا فی الافاق و فی انفسهم (فصلت/۵۳) بزودی نشانه‌های خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها خواهیم نمایاند، و از دیگر سو، غفلت از حق تعالی ملازم غفلت از حقیقت خود، دانسته شده است: نسوا الله فانسا هم انفسهم (حشر/۱۹) خدا را فراموش کردند پس خداوند نیز آنها را دچار خودفراموشی ساخت. علیهذا قرآن کریم مؤمنان را به حراست و مراقبت از نفس خود فرمان می‌دهد: یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم (مائده/۱۰۵).

در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز از معرفت نفس به برترین، سودمندترین، و نهایی‌ترین معرفت و نیز رستگاری بزرگ و... یاد شده است؛ همانطور که از جهل به نفس به برترین جهل، دوری از راه نجات، جهل به همه چیز و... یاد شده است: افضل المعرفة، معرفة الانسان نفسه؛ غایة المعرفة ان يعرف المرء نفسه؛ نال الفوز الاکبر من ظفر بمعرفة النفس. و نیز: اعظم الجهل، جهل الانسان امر نفسه؛ من جهل نفسه کان بغير نفسه اجهل. لسان برخی روایات نیز اظهار تعجب و حیرت است از این که چگونه آدمی در جستجوی کالای گمشده‌اش برمی‌آید اما در جستجوی خود - که آنرا گم کرده است - بر نمی‌آید: عجبت لمن ینشد ضالته و قد اضل نفسه و لم یطلبها.<sup>۱</sup>

اهمیت و ضرورت معرفت نفس در نزد عرفا نیز بر کسی پوشیده نیست. زیرا نیل به مقامات عالی معنوی و وصول به لقاء الهی که هدف نهایی عارف است جز از طریق معرفت و تهذیب نفسی میسر نمی‌گردد. و لذا قوام عرفان به معرفت نفس و مراتب و منازل آن است و سالک، مسافری است که در خود سفر می‌کند تا به

<sup>۱</sup> - رک: آمدی، غررالحکم و درر الکم، صص ۲-۲۳۱.

لقاء خدا واصل شود:

دگر گفتمی مسافر کیست در راه      کسی کو، شد ز اصل خویش آگاه  
مسافر آن بود کو بگذرد زود      ز خود صافی شود، چون آتش از دود  
سلوکش سیر کشفی دان ز امکان      سوی واجب به ترک شین و نقصان  
به عکس سیر اول در منازل      رود تا گردد او انسان کامل<sup>۱</sup>  
حکیمان نیز از دیرباز به ضرورت خودشناسی تأکید داشته‌اند. این جمله از  
سقراط مشهور است که: «خودت را بشناس!» ارسطو نیز در مکاشفه‌ای که برای  
شیخ اشراق حاصل شد، بدو گفت: «به نفس خود مراجعه کن».<sup>۲</sup> ملاصدرا نیز در  
بیانی جامع در فضیلت خودشناسی به هشت امر اشاره می‌کند:

«اول آن که بواسطه‌ی آن، اشیای دیگر شناخته می‌گردد و  
هر که بدان جاهل و بی‌خبر باشد از همه چیز بی‌خبر و  
جاهل است.

و دوم آن که نفس انسانی... مجموعه‌ی تمامی موجودات  
است، هر که آنرا شناخت تمام موجودات را شناخته  
است...

و سوم آن که هر کس نفس خود را شناخت، عالم را  
شناخته و هر که عالم را شناخت در مقام مشاهده‌ی  
خداوند تبارک و تعالی است...

و چهارم آن که بوسیله‌ی شناخت روح خود، عالم  
روحانی و بقای آن عالم را خواهد شناخت و به وسیله‌ی  
شناخت جسد و پیکر خود، عالم جسدی و تلاشی و

<sup>۱</sup> - شبتری، گلشن راز، ص ۳۷.

<sup>۲</sup> - رک: التلویحات، در مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۷۰.

نابودی آنرا خواهد شناخت...

و پنجم آن که هر کس نفس خود را شناخت، دشمنان خود را که در آن پنهان‌اند خواهد شناخت...

و ششم آن که هر کس نفس خود را شناخت، می‌داند که آنرا چگونه اداره و رهبری کند و هر کس که تواند نفس و لشکریان او را تربیت و رهبری کند، تواند که عالم را رهبری نیکو باشد...

و هفتم آن که هر کس آن را شناخت، در هیچ کس بدی و نقصی نمی‌بیند مگر آن که آنرا در خود موجود می‌بیند... پس هیچگاه پشت سر کسی بدگویی نکرده و عیب‌جو و هرزه‌زبان و خودبین و نازفروش نمی‌باشد...

و هشتم آن که هر کس نفس خود را شناخت در واقع خدای خود را شناخته است...<sup>۱</sup>

چنانکه به خوبی ملاحظه می‌شود معرفت نفس در نزد حکیمان و عارفان، معرفتی در عرض سایر معارف نیست؛ بلکه محور و دایر مدار دیگر دانش‌ها است. این امر از جمله از آنرو است که آدمی در پرتو خودشناسی به شناخت مبدأ و معاد، عالم ماوراء طبیعت، سیر و سلوک، عرفان و اخلاق نایل می‌شود و چون هستی آدمی، هستی جامع است به نوعی به شناخت تمامی موجودات دست می‌یابد؛ چه این که شناخت آدمی از هویت و حقیقت خود، نقش مهمی در شناخت و تحلیل او از جامعه و تاریخ، حکومت و سیاست، قانون و قضا و... دارد. نیز آدمی از آنجا که در بهره‌وری از طبیعت و علوم طبیعی، تابع غایات خویش

---

- ملاصدرا، اسرار الآیات، صص ۷-۲۴۴.

است؛ شناخت غایات وجودی نفس تأثیر مهمی در گزینش و نحوه‌ی بهره‌وری او از سرمایه‌های طبیعت دارد. این است که خودشناسی از مهمترین و ضروری‌ترین شناخت‌ها به شمار می‌آید.

## معرفت نفس و معرفت رب

مهمترین ثمره‌ی معرفت نفس، معرفت رب است. آدمی در پرتو معرفت نفس به معرفت رب بار می‌یابد و آنگاه با چنین معرفتی به جهان پیرامون خود می‌نگرد. جهان در نگاه او هویتی الهی می‌یابد و شور و شوق الهی همه‌ی وجود او را فرا می‌گیرد:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست<sup>۱</sup>

اینک باید ملاحظه کرد که چه نسبتی میان معرفت نفس و معرفت رب برقرار است؟

برخی از اندیشمندان برآنند که معرفت نفس، امری محال و ممتنع است؛ همانطور که شناخت حق تعالی نیز محال و ممتنع می‌باشد و برخی دیگر معرفت نفس و نیز شناخت حق تعالی را ممکن می‌دانند. از نظر دسته‌ی دوم، تقدم معرفت نفس بر معرفت رب، به طرق گوناگونی قابل ترسیم است. اول آن که خودشناسی مقدمه‌ای برای خداشناسی است؛ همانطور که آموزش منطق، مقدمه‌ی آموزش فلسفه است؛ دوم آن که با شناخت نفس، شناخت حق تعالی حاصل می‌گردد و شناخت خداوند لازم شناخت نفس است و واسطه‌ای بین این دو معرفت نیست؛ و سوم این که شناخت حق تعالی جز از طریق معرفت نفس حاصل نمی‌شود؛ و

---

<sup>۱</sup> - کلیات سعدی، ص ۷۸۷.

چهارم، در گامی فراتر، آن که اصولاً معرفت نفس همان معرفت رب و خودشناسی عین خداشناسی است.<sup>۱</sup>

تبیین عالی‌تری نیز از نسبت معرفت نفس و معرفت رب وجود دارد که بر حسب آن معرفت رب مقدم بر معرفت نفس و خداشناسی پیشتر از خودشناسی است. بر همین اساس آدمی تا به حق تعالی دانا نشود به شناخت خود نایل نمی‌گردد:

دانش نفست نه کار سرسری است گر به حق دانا شوی دانی که چیست<sup>۲</sup>  
حاصل آن که در خصوص نسبت معرفت نفس و معرفت رب، برخی قایل به نظریه‌ی امتناع و برخی دیگر قایل به نظریه‌ی امکان معرفت نفس و معرفت رب گردیدند. دسته‌ی دوم نیز بر دو طریق مشی کردند. نخست به طریق برهان *إنّ* و دلالت از معرفت نفس به معرفت رب، و دوم به طریق برهان *لَمْ* و دلالت از معرفت رب بر معرفت نفس. روشن است که این دو طریق مانعة‌الجمع نیستند.

### اهمیت و ضرورت معرفت نفس برای انسان معاصر

معرفت نفس برای بشر معاصر ضرورت مضاعفی دارد. این امر از آنروست که غفلت بشر معاصر از هویت حقیقی خود بیشتر از گذشته است.

توضیح اجمالی این که انسان معاصر از نظر نوآوری‌های علمی و فنی در یکی دو قرن اخیر و بلکه در دهه‌های اخیر بسیار موفق و کامیاب بوده و در پرتو همین اکتشافات و اختراعات و ارتباطات، «توانایی» «کارآمدی» و «شتابانی» اعجاب‌آوری یافته است. با این همه، بشر معاصر علیرغم این کامیابی‌ها از جهاتی نیز دچار مشکل شده است. عمده‌ی این ناکامی‌ها را می‌توان در سه جهت «تخریب محیط

<sup>۱</sup> - رک: ملاصدرا، اسرار الآیات، ص ۲۴۷.

<sup>۲</sup> - سبزواری، اسرار الحکم، ص ۱۹۸.

زیست»، «بهره‌کشی و استثمار» و «تنش و افسردگی» برشمرد.

امروزه نگرانی جدی درباره‌ی تخریب محیط زیست از جمله در خصوص «اثر گلدخانه‌ای، آلودگی آب و هوا، انهدام لایه‌ی ازن، زباله‌های ویرانگر، باران‌های اسیدی، انهدام حیات وحش، جنگل‌ها و...» در میان دانشمندان پدید آمده است.<sup>۱</sup> از اینجا به دست می‌آید که بشر معاصر رابطه‌ی خود را با محیط پیرامونی‌اش بخوبی تعریف نکرده است.

همچنین بهره‌کشی و استثمار، تحمیل جنگ‌ها و ویرانی‌ها در گستره‌ی وسیع خصوصاً طی دهه‌های اخیر بر کسی پوشیده نیست و خسارت جانی و مالی حاصل از آن، فوق‌العاده وحشتناک است.

نیز بشر معاصر از نظر روحی و روانی به مراتب از بشر گذشته نگران‌تر، مضطرب‌تر و حتی افسرده‌تر است.

برخی دانشمندان برآنند که استرس به گونه‌ای که امروزه به آن اشاره می‌شود در طول تاریخ بشر موضوعی کاملاً جدید است:

«تا قبل از سال ۱۹۶۰ اگر هر روزنامه یا مجله‌ای را ورق می‌زدید به کلمه‌ای به نام استرس بر نمی‌خوردید. پدیده استرس به شکلی که امروزه به آن اشاره می‌شود در مقایسه با تاریخ بشریت موضوعی کاملاً جدید است. این مفهوم در حالی که حتی در دو دهه قبل آنقدرها شناخته نشده بود، امروزه به اندازه کلماتی از قبیل غذا و ورزش کاربرد دارد... با توجه به بررسی‌های به عمل آمده ۷۰ تا ۸۰ درصد بیماری‌ها با استرس در ارتباط است. افزایش فوق‌العاده‌ی خودکشی، بهره‌کشی از همسر و فرزندان،

<sup>۱</sup> - رک: ژاک ورنیه، محیط زیست، ص ۲.

قتل، الکلیسم و اعتیاد به مواد مخدر نشانه‌های فشار روانی است.<sup>۱</sup>

برخی دانشمندان شیوع افسردگی را با سرماخوردگی در میان ناراحتی‌های جسمانی قابل قیاس دانسته‌اند. زلیگمان از متخصصان می‌گوید:

«افسردگی یکی از رایج‌ترین ناراحتی‌های روانی است که باعث مراجعه به روان‌پزشکان و روان‌شناسان و دیگر متخصصان بهداشت روانی می‌گردد. از این لحاظ افسردگی با سرماخوردگی در میان ناراحتی‌های جسمانی قابل قیاس است.»<sup>۲</sup>

این پرسش قابل طرح است که چرا بشر معاصر علیرغم آن همه توفیقات در شناخت علمی و پیشرفت‌های شگفت فناوری، از جهات فوق دچار مشکل شده است؟

پاسخ بنیادین جز این نیست که بشر معاصر از آنرو در نسبت خود با جهان پیرامونش دچار بحران محیط زیست شده است و در نسبت با دیگران به استثمار و بهره‌کشی روی آورده است و در حوزه‌ی وجودی خود دچار افسردگی و استرس شده است که قبل از هر چیز تعریف صحیحی از «خود» و «موقعیت خود در جهان» به دست نیاورده و در نتیجه در ارتباطش با جهان و جامعه و حتی با خود، دچار مشکل شده است.

علیهذا مهمترین مشکل بشر معاصر، از خود بیگانگی و فراموشی خود و ضروری‌ترین درنگ بشر معاصر، درنگ در خود و شناخت هویت جامع و جایگاهش در جهان می‌باشد. این است که بشر معاصر بیش از گذشته، محتاج این

<sup>۱</sup> - برایان لوک سی وارد، مدیریت استرس، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> - مهریار، افسردگی برداشت‌ها و درمان شناختی، ص ۵.

دعوت است که: «خودت را بشناس!».

## نگاهی به مباحث کتاب حاضر

چنانکه گفته شد مباحث این کتاب ناظر به معرفت نفس و معرفت رب است. این مباحث در سه فصل فراهم آمده است:

در فصل اول به تبیین چیستی مفاهیم «معرفت»، «نفس» و «رب» که سه مفهوم مأخوذ در حدیث شریف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» می‌باشند، پرداخته شده است. روشن است که توضیح این مفاهیم بر حسب دیدگاههای گوناگون علمی، فلسفی و عرفانی از نظر منطقی مقدم بر سایر مباحث است. بحث درباره‌ی هر یک از این مفاهیم در بخشی مستقل صورت پذیرفته است و لذا فصل اول مشتمل بر سه بخش می‌باشد.

در فصل دوم، دو نظریه‌ی عمده درباره‌ی نسبت معرفت نفس و معرفت رب مطرح شده است. در بخش اول این فصل، نظریه‌ی نخست مبنی بر نظریه‌ی امتناع معرفت نفس و معرفت رب با ذکر دلایلی عقلی و نقلی طرح شده و سپس در بخش دوم بر حسب تحلیل عقلی و نقلی مورد نقد واقع شده است. در بخش سوم به طرح نظریه‌ی امکان معرفت نفس و دلایل عقلی و نقلی آن پرداخته شده و در نهایت نحوه‌ی جمع نظریه‌ی اول و دوم ارایه شده است.

و اما در فصل سوم کتاب، به وجوه معرفت نفس و معرفت رب پرداخته شده است. این فصل مشتمل بر دوازده وجه است که در هر یک از آنها وجهی خاص از جنبه‌های معرفت نفس و معرفت رب مطرح شده است. این وجوه به شرح زیر می‌باشند:

وجه اول، معرفت نظم ساختمانی بدن آدمی؛ وجه دوم، معرفت فطرت نفس؛ وجه سوم، معرفت تجرد و حدوث نفس؛ وجه چهارم، معرفت حرکت نفس؛ وجه پنجم، معرفت فقر وجودی نفس، وجه ششم، معرفت احاطه و معیت نفس؛ وجه هفتم، معرفت ظهور و بطون و علو و دُنُو نفس؛ وجه هشتم، معرفت علم حضوری نفس به افعال و آثارش؛ وجه نهم، معرفت فاعلیت نفس؛ وجه دهم، معرفت غائیّت نفس؛ وجه یازدهم، معرفت جامعیت نفس و وجه دوازدهم، معرفت عجز از ادراک تام نفس.

در همه‌ی این موارد نخست به تبیین همان موضوع خاص در خصوص نفس آدمی پرداخته شده است و طی آن، دلایل عقلی و فلسفی و چه بسا تلقی عرفانی آن نیز ارایه گردیده است؛ آنگاه چگونگی دلالت موضوع مورد بحث بر ذات و یا وصف و یا فعلی از افعال باری تعالی و به عبارتی، مظهریت حقیقت نفس از حق تعالی شرح و سپس همان موضوع در آیینی متون دینی اعم از شواهد قرآنی و روایی ملاحظه و ارایه گردیده است. بدین ترتیب مباحث مذکور، هم از صبغه‌ی فلسفی و عرفانی و هم از صبغه‌ی قرآنی و روایی برخوردار است. به مناسبت از بیانات عارفان و حکیمان و شاعران حکیم و عارف استفاده شده است.

امید است مطالعه‌ی این اثر، گویای مظهریت حقیقت نفس آدمی از حقیقت مطلق باری تعالی باشد و فی‌المثل نشان دهد که ظهور و بطون نفس، مثالی از ظاهر و باطن بودن خداوند و جامعیت وجودی آدمی، مظهر جامعیت حضرت حق تعالی و معیت نفس با همه‌ی شئون و قوا، نشانی از معیت حق تعالی با همه مخلوقات و... می‌باشد و خلاصه این که خداوند، آدمی را بر مثال خویش آفریده و معرفت نفس مستلزم معرفت رب است.

با این همه، باید بر این نکته تأکید کرد که ساحت قدس الهی برتر از آن است که به وهم و قیاس و ادراک ما درآید و آدمی همواره باید حمد خود را با تنزیه

همراه سازد. چرا که به بیان امام خمینی -رضوان الله علیه- تقدیس و تنزیه، شایسته‌ی ادب حضور و مناسب حال سالک و به دور از آفات و خطرات است و لذا اولیای حق بر آن تأکید بیشتری نموده‌اند.<sup>۱</sup>

در خاتمه از خداوند بزرگ، صلاح و فلاح را در دنیا و آخرت برای عموم مسلمانان مسئلت دارم و بر پیامبر اسلام و خاندان مطهرش و امام راحل و شهیدان اسلام، خصوصاً شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی درود می‌فرستم و از همه عزیزانی که در فرآیند نگارش تا چاپ و نشر این اثر، بذل همکاری نموده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

انه ولی النعم  
امیر شیرزاد

---

<sup>۱</sup> - رک: مصباح الهدایه، ص ۱۱۲.